

که این متن شامل هیچ نقل قول مستقیمی نیست. خصوصاً آنچه به امام نسبت داده شده است نه عین عبارت یا جمله که نقل آزاد مضمون است. طبیعتاً برای دست یابی به نقل دقیق و مستقیم باید حتماً منابع معرفی شده و دیگر منابع را ببینید.

پی نوشت

- 1- Timani, H. S. (2008). *Modern intellectual readings of the Kharijites* (Vol. 262). Peter Lang.
 - 2- Brookshaw, D. P., & Fazal, S. B. (Eds.). (2012). *The Baha'is of Iran: socio-historical studies*. Routledge.
 - 3- Margit Warburg
 - 4- Phil Zuckerman
 - 5- Warburg, M. (1999). برای مثال Baha'i: A religious approach to globalization. *Social Compass*, 46(1), 47-56.
 - 6- Robert W. Balch
 - 7- Gwen Farnsworth
 - 8- Sue Wilkins
- ۹- صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۳
 - ۱۰- همان، ص ۷۷.
 - ۱۱- همان، ص ۹۴.
 - ۱۲- همان، ص ۲۳۷.
 - ۱۳- همان، ص ۲۱۳.
 - ۱۴- همان، ص ۱۸۶.
 - ۱۵- همان، ص ۲۴۷.
 - ۱۶- همان، ص ۲۱۶.
 - ۱۷- همان، ص ۳۴۶.
 - ۱۸- همان، ص ۳۸۹.
 - ۱۹- همان.
 - ۲۰- همان.
 - ۲۱- همان، ص ۳۱۰.
 - ۲۲- همان، ج ۲، ص ۲۲۷.
 - ۲۳- همان، ص ۲۹۹.
 - ۲۴- همان، ص ۳۵۷.
 - ۲۵- همان، ج ۳، ص ۲۰۳.
 - ۲۶- همان، ج ۵، ص ۲۵۱.
 - ۲۷- همان، ص ۲۹۹.
 - ۲۸- همان.
 - ۲۹- همان، ج ۱۷، صص ۴۵۹-۶۰.
 - ۳۰- همان، ج ۱۸، ص ۳۸۹.

جلوگیری نکنند. عجیب است اگر شما را یک امکان بالقوه برای عملیات جاسوسی، ضد امنیتی، یا تروریستی ببینند و مدام و تا حدی بدبینانه زیر نظر داشته باشند؟

حالا علاوه بر این فرض کنید تشکیلات فیزیکی این مجمع جهانی اسلام تحت حاکمیت یک رژیم متخاصم با آن کشور مقصد شما قرار داشته باشد و مسئولان آن مجمع نیز با حاکمان آن رژیم متخاصم روابط حسنه‌ای داشته باشند. تردید و پایش چنین مسلمانی برای شک به رفتار احتمالی‌اش علیه امنیت ملی عجیب است؟

مساله تا این جا مساله شهروندی است که از یک سو حقوق شهروندی خود را مطالبه می‌کند (و این عقلایی است) و از سوی دیگر ذیل یک بافت خاص آیین-سازمان خود را شهروند جهانی و تنها (یا دست کم اول) در برابر یک سازمان بیرون از کشور و مستقر ذیل حاکمیت اسرائیل پاسخگو می‌داند.

ما در ایران فقط با بهاییان به عنوان کسانی که در قانون اساسی پیرو ادیان آسمانی شمرده نمی‌شوند مواجه نیستیم. پیروان شیخیه و بابیه از یک سو و صابئین مندایی از سوی دیگر از پیروان ادیان آسمانی مذکور در قانون اساسی شناخته نمی‌شوند، اما معمولاً تردیدی وجود ندارد که خود این وضعیت برای آنان جرم‌انگاری نمی‌شود.

همه این‌ها نشان می‌دهد که تا کنون مساله بهیابیت نه از طرف خود بهاییان و نه از طرف گروه‌های کارگزاران نظام و مومنان متشرع در چهارچوب قانون اساسی جاگذاری نشده است و همین عدول و عدم مبالات باعث شده حجم اختلاف‌ها و مشکلاتی که همواره بهانه‌هایی برای اتهام از یک سو به افراد و از سوی دیگر به کشور بوده است به طرزی غیر قابل کنترل بالا برود.

معنی این حرف این نیست که فردا اگر کارگزاران نظام دقت مضاعف به ظرایف قانونی و بهاییان پایبندی به قانون اساسی و قوانین مدنی ایران را جدی‌تر بگیرند همه چیز به طرز معجزه‌آسایی حل خواهد شد. معنای این حرف این است که چنین رفتارهایی می‌تواند در هردو سو کاهنده مشکلات باشد. در نهایت تاکید می‌کنم که این بحثی نظری و باز است و مشارکت من در قالب این یادداشت در این بحث باز نظری تلاشی است برای نشان دادن چند ملاحظه و بعد بیان خام یک دیدگاه خام جهت بررسی اهل نظر، نه چیزی بیش از این. همچنین تاکید می‌کنم

فقیه مفتی همکار حاکمیت نیز این خطا را به وجود آورده که تصمیم‌های اجرایی خود را به فتوای شرعی رهبران انقلاب اسلامی و حتی به فتوایی که موجود نیستند و فقط از حدس برآمده‌اند منتسب کنند و نیاز به کارآمدی و عقلایی بودن این تصمیم‌ها به این شیوه با ایدئولوژیک-شرعی وانمود کردن آن‌ها پنهان و انکار شود.

و همچنین گمان می‌کنم اگر نابرابری‌ای در جامعه بهاییان وجود داشته باشد (که وجود دارد) اتفاقاً بهره‌مندان بالانشین در سلسله مراتب این نابرابری، هم به دلیل توان اقتصاد بالا و هم به دلیل پیوندهای سیاسی داخلی و خارجی آن قدر به راحتی آن قدر هدف ستیزه‌جویی‌های با منشا نامعلوم قرار نمی‌گیرند که افراد معمولی. در حالی که اتفاقاً اگر تصمیم‌هایی در مورد گردآوری اطلاعات، همکاری با کشورهای متخاصم، نفوذ در بخش‌های حساس، و امثال این‌ها وجود دارد، همین بهره‌مندان هستند که در آن تصمیم‌ها اثر پیدا و پنهان دارند نه بهاییان معمولی.

اما بزننگاه کجا است؟ پرونده‌های متنوع و مختلف در نهاد‌های امنیتی و قضایی و حتی در مراکز پژوهش تاریخ معاصر در جمهوری اسلامی ایران موجود است که شامل مدارک، اسناد، شواهد، و در نهایت اقرار شهروندان بهیابی‌ای است در مورد اقداماتی مانند گردآوری و انتقال اطلاعات محرمانه به خارج از کشور.

چرا این وضع در مورد شهروندان بهایی به نسبت جمعیت بی‌ش از دیگران رخ داده است؟ یکی از دلایل مهم می‌تواند همان ساختار بیت‌العدل و احکام و دستورات آن باشد. بیت‌العدل شهروند بهایی را پیش از هر چیز ذیل خود تعریف می‌کند.

بباید با یک شبیه‌سازی تخیلی وضع را روشن‌تر کنیم. فرض کنیم شما به بریتانیا، کنگو، هلند، یا ژاپن مهاجرت می‌کنید. وقت ورود به کشور به شما می‌گویند به قوانین کشور پایبند خواهید بود یا نه. فرض کنیم شما در جواب بگویید البته، و بعد تاکید کنید که اما پیش از هر قانون زمینی، و بیش از هر قانون زمینی، من به قانون مجمع جهانی اسلام (یک نهاد خیالی برای مسلمانان سراسر جهان و شبیه بیت‌العدل الاعظم) پایبند هستم و از فرمان‌هایی که به من از سوی این مجمع داده شود اطاعت می‌کنم. فرض کنیم از ورود شما به کشور

مادر ایران فقط با بهاییان به عنوان کسانی که در قانون اساسی پیرو ادیان آسمانی شمرده نمی‌شوند مواجه نیستیم. تا کنون مساله بهیابیت نه از طرف خود بهاییان و نه از طرف گروه‌های کارگزاران نظام و مومنان متشرع در چهارچوب قانون اساسی جاگذاری نشده است.